



## فهرست

- یادداشت برای چاپ تازه «گفته‌ها»..... ۱۱
- چند کلمه برای این چاپ..... ۱۳
- پیش‌گفتار..... ۱۵
- حرف‌هایی برای دانشجویان دانشگاه شیراز..... ۳۱
- چند مقاله و گفتارهای چند فیلم..... ۱۱۱
- شعر..... ۱۱۳
- هوشنگ پزشک‌نیا، نقاش..... ۱۲۳
- سیر سقوط یک امکان..... ۱۳۶
- تپه‌های مارلیک..... ۱۴۸
- تپه‌های مارلیک..... ۱۵۳
- یک آتش..... ۱۵۹
- موج و مرجان و خارا..... ۱۶۳
- خانه سیاه است..... ۱۶۹
- گنجینه‌های گوهر..... ۱۷۱
- یک گفتگو درباره‌ی داستان‌ها..... ۱۷۵
- آذرماه آخر پاییز..... ۱۷۷
- شکار سایه..... ۲۲۴
- جوی و دیوار و تشنه..... ۲۷۵
- مَدّ و مه..... ۳۳۰



من اگر نفسی برای حرف زدن داشتم دو چیز نفسم را برید؛ یکی این سرود  
دک و دراز دانشگاه شما - که اصلاً چرا سرود؟ - و یکی تعریف‌هایی که آقای  
سعود فرزند از من کردند. من متشکر هستم آقای فرزند، اما من تقریباً  
هیچکدام از آن‌ها را قبول ندارم. مثلاً فرمودید من فروتنم زیرا از های وهوی  
درمی‌روم، بیزارم. من اصلاً فروتن نیستم وقتی که فروتنی یعنی مجامله، یعنی  
دروغ و ارونه. فرمودید من وارث هدایتم چون در هفت هشت سال آخر عمرش  
دوست نزدیک او بودم. البته من به او ارادت زیاد داشتم چون به راستی انسان  
بود اما هیچ جور ارثی از او نبرده‌ام به خصوص حجب و کم‌رویی هرچند سخت  
به انسانیت او احترام داشتم، و هنوز این انسانیت اوست که بزرگترین صفت او  
در یادهای من است. به ریشه‌های خانوادگی اشاره فرمودید اما اصل و  
ریشه‌های خانوادگی هم که از آن قاطیغوریاس‌های پرت است و منتفی‌ست.  
مطرح نیست. پس جز این‌که سپاس گزار شما باشم و تکذیب‌کننده حرمت گزار  
تعریف‌هاتان کاری نمی‌توانم بکنم.

ولی از همه مهم‌تر، من نفسی برای حرف زدن از اول نداشتم، و این را با کمال  
راحتی‌ست که می‌گویم. من به عنوان نویسنده، اگر حرفی برای گفتن داشته  
باشم درست‌تر است که آن‌ها را به وسیله نوشته بگویم، که ناچار تا حال هم باید  
آن‌ها را گفته باشم - اگر گذاشته باشدم. تنها چیزی که می‌شد بگویم درباره  
نوشتن می‌شود باشد. تأکید می‌کنم روی درباره.

نویسنده‌گی کاری‌ست که به عقیده من گفتگوی‌ست که آدم، در اساس، با